

# مخالفان مسیحیت مدعی هستند مسیح اعتراف کرد که مخالف صلح و دوستی است و هدف او ایجاد جنگ و ناامنی در جوامع بشر است ( متی فصل ۱۰ آیات ۳۴ - ۳۶). آیا چنین اتهامی درست است؟



مخالفان مسیحیت مدعی هستند مسیح اعتراف کرد که مخالف صلح و دوستی است و هدف او ایجاد جنگ و ناامنی در جوامع بشر است ( متی فصل ۱۰ آیات ۳۴ - ۳۶). آیا چنین اتهامی درست است؟

فصل دهم متی درباره اعزام شاگردان به ماموریت بشارتی توسط مسیح است. او به شاگردانش گوشزد کرد برای جفا و آزار و اذیت که در انتظار آنان است، خود را آماده سازند. از آن جا که بسیاری از شاگردان عیسی، به خاطر مسیحی بودن، در معرض طرد شدن قرار داشتند، عیسی می بایست آن ها را برای رویارویی با این مشکلات و سختی ها آماده می کرد.

در فصل دهم، مسیح سه گروه را که با مسیحیان مخالفت خواهند کرد، معرفی می کند:

حکومت (آیه ۱۸): "شما را به خاطر من، نزد فرماندهان و پادشاهان خواهند برد تا از شما بازجویی کنند"

اشخاص مذهبی (آیه ۱۷): "مردم شما را دستگیر کرده، به محاکمه خواهند کشید و حتی در عبادتگاه ها شما را شلاق خواهند زد"

خانواده (آیه ۲۱): "برادر، برادر خود را و پدر، فرزندش را تسلیم مرگ خواهد کرد. فرزندان بر ضد والدین برخاسته، آن ها را خواهند کشت"

مسیح می دانست کسانی که از او پیروی می کنند، دچار رنج و زحمت خواهند شد. آن ها به خاطر مسیح از سوی خانواده و دوستان طرد خواهند شد و بسیاری روابط خود را با آن ها قطع خواهند کرد. عده ای هم به خاطر ترس از جفا و سختی ها، با ایمانداران مسیحی روابط برقرار نمی کنند (یوحنا فصل ۹ آیات ۱۸ - ۲۳).

این نکته جای بسی تعجب دارد که خویشاوندان بی ایمان ترجیح می دهند فرزندشان لاپالی و بی بند و بار باشد، اما در اجتماع مقامی همچون شاگرد مسیح را نداشته باشد. این ادعای مسیح نشان می دهد که مخالفان مسیحیت همواره با مسیحیان در ستیز خواهند بود.

مسیح به فشارهای مخالفان نیز اشاره کرد:

یک. تهدید: "از آنان که شما را تهدید می کنند، نترسید، زیرا وقت آن خواهد رسید که هر حقیقتی آشکار گردد. توطئه های مخفی آنان نیز برای همه آشکار خواهد شد" (آیه ۲۶)  
دو. آسیب رساندن به بدن: "نترسید از کسانی که می توانند فقط بدن شما را بکشند، ولی نمی توانند به روح تان صدمه ای بزنند" (آیه ۲۸)

سه. طرد شدن از سوی نزدیک ترین اشخاص: "برادر، برادر خود را و پدر، فرزندش را تسلیم مرگ خواهد کرد. فرزندان بر ضد والدین برخاسته، آن ها را خواهند کشت" (آیه ۲۱)  
از اخبار می شنویم که در نقاط مختلف دنیا، مخالفان خانه های مسیحیان را آتش می زنند و یا آنان را به خاطر بشارت انجیل به زندان می اندازند و حتی مسیحیان را به قتل می رسانند.

یکی از مواردی که هر شاگرد مسیح با آن روبرو است تجربه کردن تنش، کشمکش و طرد شدن از خانواده است. این تجربه ها اغلب تلخ تر از رویارویی با سایر موارد زندگی است. مسیح فرمود: هر که صلیب خود را بردارد و به دنبال من نیاید، شایسته من نیست (آیه ۳۸). صلیب به معنای دست کشیدن از زندگی و همراهی با مسیح است.

در این آیات مسیح تعلیم نمی دهد که در واکنش به مخالفان مسیحیت، رفتار خشونت آمیز و پرخاشگرانه را انتخاب کنیم و آنان را به قتل برسانیم. بلکه عیسی به نتایج و پیامد پیروی از خودش اشاره می کند.

در قرن اول میلادی، در سراسر امپراطوری روم، واژه خداوند برای قیصر روم به کار برده می شد.

هنگامی که مردم به هم برمی خوردند، به عنوان سلام می گفتند: "قیصر خداوند است" و جواب چنین بود: "بله، قیصر خداوند است." در نتیجه، مسیحیان دچار مشکل می شدند. وقتی با این عبارت که "قیصر خداوند است" به آن ها سلام کرده می شد، در جواب می گفتند: "خیر، عیسی مسیح خداوند است" و این جواب بلافاصله موجب دزدسرشان می شد. نه به این دلیل که قیصر به عیسی حسادت می ورزید، بلکه قضیه از این عمیق تر بود.

قیصر متوجه شده بود که مسیحیان به شخص دیگر، غیر از او سپرده اند. به عبارت دیگر، عیسی مسیح در زندگی آن ها بیشتر ارزش داشت. پیام مسیحیان به قیصر چنین بود: "جناب قیصر، تو می توانی در پاره ای از مسائل، روی ما حساب کنی. ولی اگر ما مجبور به انتخاب بین دو نفر بشویم، جانب مسیح را خواهیم گرفت. زیرا زندگی خود را به او سپرده ایم و او برای ما در زندگی مهم ترین شخص است. او خداوند و ارباب است، یعنی مهم ترین کسی که بر زندگی ما اختیار تام دارد."

در نتیجه شکنجه مسیحیان توسط نرون (۶۴-۶۷ میلادی) در روم و اطراف آن آغاز شد. سایر دشمنان مسیحیت نیز در سراسر امپراطوری روم، به تقلید از نرون و به بهانه شکنجه، شروع به سوءاستفاده کردند. پطرس در نامه خود اشاره می کند که کلیسا در جهان دچار جفا و آزار و اذیت شده است: "مسیحیان در تمام دنیا با چنین مصائبی مواجه می باشند" (اول پطرس فصل ۵ آیه ۹).

شیطان مانند شیر درنده ای به مسیحیان حمله کرده بود: مسیحیان شب هنگام، در باغ های نرون سوزانیده می شدند. برخی عقیده دارند که پطرس اولین نامه اش را درست پس از شهادت پولس به رشته تحریر درآورد (۶۶ میلادی) و آن را توسط سیلاس (فصل ۵ آیه ۱۲) که یکی از همکاران پولس بود، به کلیساهایی که پولس بنیانگذاری کرده بود، فرستاد تا آن ها را در تحمل زحمات تشویق نماید.

مسیح فرمود: "گمان نکنید که آمده ام صلح و آرامش را بر زمین برقرار سازم. نه، من آمده ام تا شمشیر را برقرار نمایم. من آمده ام تا پسر را از پدر جدا کنم، دختر را از مادر و عروس را از مادر شوهر. به طوری که دشمنان هر شخص، اهل خانه او خواهند بود" (آیات ۳۴-۳۶).

عیسی نیامد تا صلح سطحی و ظاهری برقرار نماید. او نمی خواست اختلاف ها پوشانده شوند و مردم با تظاهر و ریاکاری به یکدیگر لبخند بزنند. تاریخ نشان داده که این گونه صلح و آرامش، دوام کوتاهی دارد و سرانجام به شورش و انقلاب انجامیده است. بین کسانی که پیروی عیسی را برمی گزینند و کسانی که او را رد می کنند، اختلاف نظر وجود خواهد داشت. بنابراین تا زمانی که مسیحیان در این دنیا به سر می برند، رنج و سختی را متحمل خواهند شد.

در خانواده نیز مسیح افراد را به تصمیم گیری وادار می کند: از عیسی پیروی کنند یا اعتقادات اعضای خانواده؟ معیارها، اخلاقیات، اهداف و مقاصد تازه ایماندار مسیحی به طور حتم او را از اعضای خانواده و دوستان متمایز می کند. در واقع، عیسی کسانی را که به او ایمان دارند از افرادی که به او اعتقاد ندارند، جدا کرده است. مسیح فرمود: "من شما را از جهان برگزیده ام، از این سبب، جهان با شما دشمنی دارد" (یوحنا فصل ۱۵ آیه ۱۹).

همان طور که شمشیر، چیزها را به دو نیم تبدیل می کند، کلام عیسی نیز ایمانداران را از بی ایمانان

جدا می سازد: "کلام خدا زنده و با نفوذ است و برنده تر از هر شمشیر تیزی است، زیرا افکار پنهانی و نیت های مخفی را می شکافد و ما را آن چنان که هستیم، به خودمان نشان می دهد" (عبرانیان فصل ۴ آیه ۱۲). ما نمی توانیم در آن واحد، هم از مسیح پیروی کنیم و هم از دنیا. خدا باید در الویت زندگی ما قرار داشته باشد.

نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ